

ما از عدالت سهمی داریم  
سازمان حقوق بشر ایران

سال سوم شماره ۷۰

۱۱ دی ۱۳۹۶ / ۱ جنوری ۲۰۱۸



## حق حضانت

غذای دو سنت است که کتاب مدرسه  
والدین در بیان معلم کتاب مادر  
لباس پدر خانه پدر است مادر  
بازار می آید از من **حق حضانت** بازار  
سفر پرستی می آید از من **حق حضانت** سفر  
قانون

## ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: کامبیز غفوری

تحریریه: امیدرضایی، مریم دهکردی، معین خزائلی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

حق حضانت: تکلیفی که نمی توان از آن سر باز زد



حضانت در قوانین ایران



حضانت در کنوانسیون بین المللی حقوق کودک: حق و وظیفه

از مصائب زندگی دو زن؛ حضانت

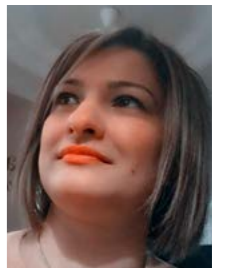


تعهدات دولت ها در خصوص حق والدین بر حضانت

کودکان بدسرپرست، گمشده در قوانین ایران



## حق حضانت: تکلیفی که نمی توان از آن سر باز زد



نعیمه دوستدار

سرپرستی کودک به دست پدر و مادر بیولوژیکش، بدیهی و عادی به نظر می‌رسد، اما همین مساله، موضوع بسیاری از دعاوی خصوصی در ایران و یکی از پرونده‌های مورد بحث در حاشیه و زمینه پرونده‌های طلاق است. از آنجا که قانون مدنی ایران، ولی را پدر و جد پدری می‌داند، در صورت طلاق، باید در مورد حضانت فرزندان مشترک تعیین تکلیف کرد. چون بسیاری از پدران، از دادن حضانت فرزندان پس از طلاق به مادر خودداری می‌کنند.

ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی ایران حضانت را هم حق و هم تکلیف والدین می‌داند. یعنی اینکه والدین حق دارند حضانت و سرپرستی کودک خود را به عهده گیرند و قانون جز در موارد استثنایی نمی‌تواند آنان را از این حق محروم کند و از سوی دیگر آنان مکلف هستند تا زمانی که زنده هستند و توانایی دارند، نگهداری و تربیت فرزندشان را به عهده گیرند.

در حضانت همچنین مصلحت کودک یک امر مهم است و به این ترتیب قانون باید ابتدا مصالح او را در نظر بگیرد و سپس حق پدر و مادر برای نگهداری کودکشان را. در این صورت اگر مصلحت طفل ایجاب کند که پیش هیچ یک از پدر و مادرش نباشد، دادگاه رأی می‌دهد که کودک به شخص ثالثی سپرده شود.

قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ ماده ۱۱۶۹ حضانت فرزند پسر تا ۲ سالگی و دختر تا ۷ سالگی به مادر سپرده بود و پس از انقضای

این مدت حضانت با پدر بود اما با اصلاحیه مصوب سال ۸۲ که به تصویب مجمع تشخیص مصلحت رسید، برای حضانت و نگهداری طفل که پدر و مادر او از یکدیگر جدا شده‌اند، مادر تا ۷ سالگی (پسر یا دختر فرقی ندارد) اولویت دارد و پس از آن با پدر است. اصلاحیه این تبصره می‌گوید که پس از ۷ سالگی هم در صورتی که میان پدر و مادر درباره حضانت اختلاف باشد، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک و به تشخیص دادگاه است.

بر این اساس حضانت طفل پس از هفت سالگی به طور مطلق به پدر واگذار نمی‌شود بلکه هرگاه بین پدر و مادر طفل در مورد حضانت او اختلاف شود معیار تعیین حضانت‌کننده صرفا

مصلحت طفل است. به موجب ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی «نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است» و چون حضانت تکلیف پدر یا مادری است که دارای حق حضانت است، در صورت ذی‌حق بودن نمی‌تواند از این تکلیف سرباز زند و آن را به دیگری واگذارد. با این حال این موضوع هم عامل تشکیل پرونده‌های فراوانی است: بی‌توجهی برخی از والدین به تکلیف حضانت فرزندان خود.

در شماره ۷۰ مجله حقوق ما که پیش روی شماست، به چالش‌های حقوقی مساله حضانت پرداخته ایم. مریم دهکردی، معین خزائلی، امید رضایی و دنا دادبه همکاران این شماره اند.



## حضانة در قوانین ایران



### دنا دادبه

قبل از که وارد بحث حضانة به لحاظ حقوقی شویم، لازم است چند نکته مهم را در مورد حضانة بدانیم. اول این که حضانة، متفاوت از ولایت است. دوم این که حضانة هم حق است، هم تکلیف. سوم این که موضوع حضانة حتی در زمان زندگی مشترک والدین هم مطرح است ولی زمانی مورد اختلاف واقع می‌شود که والدین از یکدیگر جدا می‌شوند.

حضانة چیست و چه تفاوتی با ولایت دارد؟

حضانة را نباید با ولایت یکسان دانست؛ ولایت به معنای قدرت و اختیاری است که قانون برای اداره امور کودک به پدر و جد پدری می‌دهد تا بر اساس مصلحت کودک عمل کنند. این حق پس از مرگ با وصیت قابل انتقال است. این در حالی است که حضانة ناظر بر نگهداری از جسم کودک است، هرچند که حضانة به طور عام شامل تربیت کودک نیز می‌شود.

نتیجه این است که مثلاً مادری که حضانة فرزندش را به عهده دارد، نمی‌تواند دست به اعمالی بزند که در حیطه اختیارات ولی قهری فرزند است. مانند خارج کردن فرزند از کشور در صورتی که ولی فرزند مخالف باشد و یا اخذ گذرنامه برای فرزند بدون اجازه ولی فرزند.

### حضانة، حق یا تکلیف؟

ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی به طور صریح در این خصوص مقرر کرده است که: «نگاهداری کودک، هم حق و هم تکلیف والدین است.»

حال می‌خواهیم بدانیم تفاوت حق و تکلیف در موضوعی مانند حضانة چیست؟

اگر حضانة را به طور مطلق حق بدانیم باید در نظر داشته باشیم که حق، قابل انتقال است و صاحب حق به راحتی می‌تواند قرارداد خصوصی در مورد آن منعقد کند و یا اینکه حق خویش را ساقط یا به دیگری انتقال بدهد.

حال با توجه به ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی اولین نتیجه «تکلیف» بودن حضانة عبارت از بی‌اعتباری هر گونه قرارداد در خصوص

واگذاری یا اسقاط حق حضانة است. یکی دیگر از نتایج مهم «تکلیف» بودن حضانة این است که در صورت استنکاف از انجام تکلیف، می‌توان مکلف را ملزم به انجام تکلیف کرد. این نکته در ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی ذکر شده است که هیچ یک از والدین حق ندارند در مدتی که حضانة کودک بر عهده اوست از نگهداری او امتناع کند و در صورت امتناع می‌توان او را ملزم کرد. البته در این میان مصلحت کودک نیز نقش مهمی ایفا می‌کند.

در همین مورد ماده ۴۰ قانون حمایت از خانواده نیز مقرر کرده است: «هرکس از اجرای حکم دادگاه در مورد حضانة کودک استنکاف کند یا مانع اجرای آن شود یا از استرداد طفل امتناع ورزد، حسب تقاضای ذی نفع و به دستور دادگاه صادرکننده رأی نخستین تا زمان اجرای حکم بازداشت می‌شود.»

بر اساس ماده ۱۱۷۵ قانون مدنی شناسایی «حق» حضانة برای پدر و مادر مانع از آن است که دادگاه بتواند، جز در موارد مقرر در قانون، آنان را از این حق محروم کند. همچنین پدر و مادر می‌توانند اجرای حق خود را از دادگاه بخواهند و نمی‌توانند در قبال اجرای تکلیف خود بر حضانة دستمزد بگیرند چون تکلیف آنهاست. حضانة،

### حضانة کودک در دوران زندگی مشترک با چه کسی است؟

تا زمانی که فرزند در کنار پدر و مادر خود زندگی می‌کند، نگهداری کودک حق و تکلیف مشترک آنان است و هر دو والد باید با همراهی و همکاری یکدیگر از کودک نگهداری کنند.

ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی نیز در همین مورد اشاره می‌کند که «زوجین باید در تشکیل مبنای خانواده و تربیت فرزندان خود به یکدیگر کمک کنند.»

### حضانة کودک در صورت جدایی والدین

در این خصوص چون والدین از یکدیگر جدا شده‌اند و امکان همکاری زوجین در حضانة، آن گونه که در زمان زندگی مشترک ممکن بود، وجود ندارد ناگزیر باید کودک را به یکی

پدری) است و اگر از طریق بودجه دولت یا بنیاد شهید پرداخت می‌شود در اختیار مادرانشان قرار می‌گیرد مگر آنکه دادگاه صالح در موارد ادعای عدم صلاحیت مادر حکم به عدم صلاحیت بکند.»

### حضانة کودک در صورت فوت والدین

قانون مدنی نسبت به حضانة کودک در فرض فوت والدین ساکت است ولی دادگاه‌ها معمولاً راه حل فقها را در نظر می‌گیرند و معتقدند سرپرستی کودک در این دوران حق جد پدری است زیرا او ولی قهری کودک و به منزله پدر کودک است. به همین جهت او بر دیگران مقدم است و در صورت نبود جد پدری، وصی پدر یا وصی جد پدری را سزاوارتر می‌دانند و بعد از آنها از خویشان کودک به ترتیب طبقات ارث اولویت دارند و در صورت تعدد اشخاص مشابه از حیث طبقه و درجه به قید قرعه یکی از آنان تعیین می‌شود.

### آیا حضانة را می‌توان سلب کرد؟

قانون مدنی و قانون حمایت از خانواده موقعیت‌هایی را مقرر کرده‌اند که در صورت وقوع، حضانة را قابل سلب می‌کنند. این موقعیت‌ها به شرح زیر هستند:

- اعتیاد زیان آور به الکل و مواد مخدر و قمار
- اشتها به فساد اخلاقی و فحشا
- ابتلا به بیماری روانی با تشخیص پزشک قانونی
- سوءاستفاده از کودک یا اجبار او به کار در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد، فحشا، تکدی‌گری و قاچاق

از آن دو سپرد. بر اساس اصلاحیه ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی حضانة فرزند چه دختر و چه پسر، تا سن هفت سالگی با مادر است. ناگفته نماند حضانة کودک پس از هفت سالگی به طور مطلق به پدر واگذار نمی‌شود، بلکه در صورتی که میان پدر و مادر کودک در مورد حضانة او اختلاف شود، معیار تعیین حضانة کننده صرفاً مصلحت کودک است؛ چه بسا علی‌رغم عدم وجود عیب و نقصی در پدر به تشخیص دادگاه مصلحت کودک اقتضاء کند حضانة او بر عهده مادرش باشد. پس از رسیدن کودک به سن بلوغ، دادگاه خود را فارغ از رسیدگی درخصوص حضانة دانسته و فرزندان حق انتخاب ادامه زندگی نزد یکی از والدین را خواهند داشت.

### حضانة کودک در صورت فوت یکی از والدین

در صورت فوت یکی از والدین طبق ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی «حضانة کودک با آنکه زنده است خواهد بود هر چند متوفی پدر کودک بوده و برای او قیم معین کرده باشد» بنابراین در صورت فوت مادر حضانة با پدر است در صورت فوت پدر حضانة با مادر است هر چند که جد پدر در قید حیاط باشد و یا کودک قیم داشته باشد.

در این زمینه ماده واحده قانون واگذاری حق حضانة فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها مصوب سال ۱۳۶۴ مقرر کرده است که «حضانة فرزندان صغیر یا محجوری که پدرانشان به مقام والای شهادت رسیده و یا فوت شده باشند با مادران آنان خواهد بود و هزینه متعارف زندگی این فرزندان چنانچه از اموال خودشان باشد، در اختیار ولی شرعی (وصی یا جد

- تکرار ضرب و جرح خارج از متعارف

- جنون: هر گاه پدر یا مادری که حضانت کودک با اوست مبتلا به جنون شود، حضانت با دیگری خواهد بود.

- ازدواج مادر: در صورتی که پدر زنده باشد و مادر ازدواج کند مطابق ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی حق حضانت مادر از بین می رود و این حق به پدر واگذار می شود. این در حالی است که ازدواج مجدد مادر در صورت فوت پدر باعث اسقاط حق حضانت مادر نمی شود.

- عدم مراقبت از کودک: کودک نیاز به تربیت صحیح و آموزش دارد و اگر مادر و یا پدر از کودک به درستی مراقبت نکند، حق حضانت از او سلب خواهد شد.

- انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که کودک تحت حضانت اوست: هر گاه بر اثر انحطاط اخلاقی یکی از والدین، صحت

### حق ملاقات فرزند

مطابق ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی در صورتی که به علت طلاق یا به هر دلیل دیگر والدین کودک در یک منزل سکونت نداشته باشند، هر یک از پدر و مادر که کودک، تحت حضانت او نیست حق ملاقات کودک را دارد. تعیین زمان و مکان و سایر جزئیات مربوط در صورت اختلاف میان والدین با صلاحدید قاضی است. نکته مهم این که حق ملاقات منحصر به پدر و مادر نیست. در هر مورد که دادگاه ملاقات کودک با سایر خویشان را ضروری یا مفید تشخیص دهد می تواند در این زمینه رای مقتضی را صادر کند.

ماده ۴۱ قانون حمایت از خانواده نیز در همین مورد مقرر کرده است: «هرگاه دادگاه تشخیص دهد توافقات راجع به ملاقات، حضانت، نگهداری و سایر امور مربوط به کودک برخلاف



مصلحت او است یا در صورتی که مسؤول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند و یا مانع ملاقات کودک تحت حضانت با اشخاص ذیحق شود، می تواند در خصوص اموری از قبیل واگذاری امر حضانت به دیگری یا تعیین شخص ناظر با پیش بینی حدود نظارت او با رعایت مصلحت کودک، تصمیم مقتضی اتخاذ کند.

تبصره بعدی همین ماده نیز اضافه می کند: «قوه قضائیه مکلف است برای نحوه ملاقات والدین با کودک، ساز و کار مناسب با مصالح خانواده و کودک را فراهم کند.»

جسمانی یا تربیت اخلاقی کودک در معرض خطر باشد قاضی می تواند به تقاضای اقربای کودک، به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت کودک صلاح بداند اتخاذ کند.

- بیماری مسری صعب العلاج: اگر هر یک از والدین دچار بیماری مسری باشد که جسم کودک را دچار بیماری کند، برای حفظ حیات کودک، حضانت باید از آنها سلب شود و کودک نزد کسی پرورش یابد که از سلامت جسمانی برخوردار باشد.

## حضانت در کنوانسیون بین المللی حقوق کودک: حق و وظیفه



### امید رضایی

کنوانسیون بین المللی حقوق کودک یا پیمان نامه جهانی حقوق کودک، سند بالادستی بین المللی در مورد حقوق و وضعیت کودکان جهان است و کشورهای امضاکننده آن موظفاند قوانین داخلی خود را براساس این پیمان نامه تنظیم کنند.

در بند ۴ مقدمه این سند بین المللی، به اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره شده و آمده است که «دوران کودکی مستلزم مراقبت ها و مساعدت های ویژه است» و بند بعدی تصریح می کند: «... خانواده به عنوان جزء اصلی جامعه و محیط طبیعی برای رشد و رفاه تمام اعضای خود خصوصاً کودکان می بایستی از حمایت ها و مساعدت های لازمه به نحوی برخوردار شود که بتواند مسئولیت های خود را در جامعه ایفا کند.»

### حضانت: حق و وظیفه والدین، حق کودکان

درواقع یکی از واقعیت های اساسی که کودکان را از افراد بالغ متمایز می کند، نیاز کودکان به نگهداری و مراقبت است. این نیاز کودکان از طرف دیگر می تواند به حق والدین (یا یکی از والدین) به نگهداری از کودکان تعبیر شود، آن چه که در زبان حقوقی فارسی «حق حضانت» نامیده می شود. به بیان دیگر، حضانت از یک سو حق والدین است، اما از سوی دیگر به معنای حق فرزند برای برخورداری از مراقبت و نگهداری (و در مرحله بعدی آموزش و تربیت) نیز هست.





روی این حق در کنوانسیون جهانی حقوق کودک بارها تاکید شده و جزئیات آن تا حد امکان روشن شده است.

اولویت حضانت: خانواده

بنا به بند ۶ پیش‌گفتار این پیمان‌نامه: «کودک برای رشد کامل و متعادل شخصیتی خود می‌بایستی در محیط خانواده و در فضایی (مملو) از خوشبختی، محبت و تفاهم بزرگ شود.» همچنین بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون بنا را بر این قرار می‌دهد که «[کودک] از حقوقی مانند حق داشتن نام، کسب تابعیت و در صورت امکان، شناسایی والدین و قرار گرفتن تحت سرپرستی آن‌ها برخوردار است.»

کنوانسیون جهانی حقوق کودک به روشنی حق حضانت فرزند را در درجه اول در اختیار والدین قرار می‌دهد و همان‌طور که گفته شد، به کودک نیز این حق را می‌دهد توسط والدین که خانواده‌شان مرده‌اند، کودکان به اصطلاح «بدسرپرست» یا

کودکانی که بدون خانواده‌شان مهاجرت و معمولاً درخواست پناهندگی کرده‌اند.

طبق کنوانسیون حقوق کودک، یکی از دلایلی که می‌تواند کودک را از والدینش جدا کرد این است که ماندن کودک نزد خانواده به ضرر خود کودک باشد. تشخیص این مسئله در بند ۱ ماده ۹ به عهده «مقامات ذیصلاح مطابق قوانین و مقررات و پس از بررسی‌های قضایی» گذاشته شده است.

در صورت جدایی والدین، تعیین این که کدام یک از آن‌ها حق دارند از کودک نگهداری کنند، براساس منافع کودک انجام می‌شود. تشخیص این منافع نیز به عهده دستگاه قضایی و براساس قوانین داخلی کشورهاست.

#### حضانت دولت

میثاق بین‌المللی حقوق کودک، بر این باور است که خانواده و خاص شود.»

والدین بهترین محیط برای رشد کودک هستند. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان و فعالان حقوق کودک هم بر این واقعیت صحه می‌گذارند، اما استثنای وضعیت، همان‌طور که گفته شد، آن‌جاست که چنین امکانی وجود نداشته باشد یا به نفع کودک نباشد. میثاق این حالت را هم پیش‌بینی کرده است. در بند ۲ ماده ۲۰ این میثاق‌نامه آمده است: «کشورهای طرف کنوانسیون می‌بایست طبق قوانین ملی خود مراقبت‌های جایگزین دیگری را برای این گونه کودکان تضمین کنند» و در بند ۳ «این گونه مراقبت‌ها شامل موارد زیادی می‌شود، از جمله تعیین سرپرست و کفیل در قوانین اسلامی، فرزندخواندگی و یا در صورت لزوم اعزام کودک به مؤسسات مناسب مراقبت از کودکان. به هنگام بررسی راه‌حل‌ها باید به استمرار مطلوب در تربیت کودک، قومیت، مذهب، فرهنگ و زبان کودک توجه خاص شود.»

## از مصائب زندگی دو زن؛ حضانت



مریم دهکردی

اما شوهرش گفته: «تا قرون آخر مهریه رو می‌دم اما نمی‌ذارم حتی یه روز بردیا باهات زندگی کنه» این جمله دستش را برای امضای نهایی زیر برگه جدایی لرزانده و باز برگشته به آغوش خشونت بی‌امان.

نیمه شب با صدای ویبره موبایل از خواب می‌پریم. می‌خواهم بخوابم اما دلم شور می‌زند. نگاهی به صفحه روشن گوشی می‌اندازم و اسم «مولود» را می‌بینم. همکارم است. گوشی را برمی‌دارم و با خواندن پیام خشکم می‌زند: «میشه جوری که مامانت اینا بیدار نشن درو باز کنی پیام تو، پشت در خونه‌ام.» پاورچین می‌روم توی هال. دکمه اف اف را می‌زنم و می‌روم سمت در. توی حیاط می‌بینمش با تن خمیده و لب خون آلود. «چی شده؟» صدای من است که می‌پرسد. روی تخت توی ایوان می‌نشیند و به زمزمه می‌گوید: «چی می‌خواستی بشه؟ مثل همیشه کارشو کرد و بعدم سر یه بهونه الکی داد و قال راه انداخت و از خونه انداختم بیرون. جایی نداشتم برم جز پیش تو. ببخش تورو خدا» دلم را انگار رنده می‌کنند. از بردیا نمی‌پرسم، چون می‌دانم صدای گریه‌اش همه را بیدار خواهد کرد.

فردا به همراه مولود و به عنوان مطلع همراهش به دادگاه خانواده می‌روم. هم وزن خودش آنجا پرونده‌ای دارد. پر از تعهدنامه‌های حسن اخلاق همسر، گواهی‌های رنگ و وارنگ تایید ضرب و شتم از منجر به شکستگی تا بیهوشی، دادخواست طلاق، عدم تمکین،... هر بار پیگیری کرده و رسیده به طلاق



آنقدر فراوانند که نمی‌شود تصور کرد.

مطابق قانون مدنی جمهوری اسلامی، ریاست خانواده از ویژگی‌های مردان است و به همین علت بسیاری از حقوق، از جمله «ولایت و سرپرستی فرزند» بر عهده مرد خانواده است. بنا بر ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی، حتی اگر مرد حضانت و اجازه نگهداری از فرزند را به مادر واگذار کند، ولایت و سرپرستی پدر و جد پدری (اگرهم فاقد صلاحیت باشند) از بین نمی‌رود و مادر ناچار است برای هر کار کوچک مثل افتتاح یک حساب بانکی و یا برداشت از حساب او، از پدر اجازه بگیرد.

### دوم:

زن صدای دردمندی دارد. سال‌هاست برای گرفتن حضانت فرزندش تلاش می‌کند اما در دو سال اخیر اتفاقی افتاده که او را مستاصل کرده است. «همسر یک آخر هفته آمد بچه را برد. منتظر بودم مثل همیشه دوشنبه بیاید و او را تحویل بدهد اما خبری نشد. تماس گرفتم و او با خیال راحت و بی‌قید گفت: ما الان دیگر نزدیک ایرانیم. اگر بچه را می‌خواهی و مادر دلسوزی هستی تو هم در سرات را رها کن و برگرد.»

مریم در ۳۰ سالگی به شیوه‌ای کاملاً سنتی و به واسطه آشنایی مشترک به خانواده همسرش معرفی شد. پسر خانواده در کشوری اروپایی مشغول به تحصیل بود و می‌خواست ازدواج کند. به خانواده‌اش سپرده بود که دختری اجتماعی

و تحصیلکرده برای او بیابند. مریم می‌پذیرد و با مرد آشنا می‌شود. «ابتدای آشنایی به نظر نمی‌آمد که همسرم قصد محدود کردن من را داشته باشد. در مکالمات پیش از ازدواج من بارها به تمایلم برای ادامه تحصیل و استقلال مالی تاکید کرده بودم و مخالفتی هم نمی‌دیدم. اما در عمل و به مرور زمان متوجه شدم اینطور نیست و او از پیشرفت کردن من خوشحال نمی‌شود. این را همان اوایل ازدواج فهمیدم. مدام به بهانه‌های مختلف تلاش می‌کرد من را از وارد اجتماع شدن بازدارد. اوائل به این بهانه که خودش در حال تحصیل است و در این شهر موقت زندگی می‌کند. بعد از اتمام تحصیل و شاغل شدنش به بهانه‌های دیگر مثل اینکه تازه وارد هستیم و بگذار جا بیافتیم.»

مریم بعد از ازدواج در ایران مانده بود و یک سال بعد که مقدمات پیوستنش به همسرش در خارج از ایران فراهم شد به آنجا رفت. از همان ابتدا اختلافاتی بروز کرد. رفتارهای عصبی و پرخاشگرانه بر سر مسائل کوچک رفته رفته بیشتر شد و بعد از به دنیا آمدن فرزندشان این اختلافات شدت گرفت: «همسرم مدام می‌خواست به واسطه بچه من را محدود کند. وقتی باردار شدم از او خواستم اگر به زندگی با من متمایل نیست پیش از جدی شدن وضعیت بارداری فکری بکنیم اما او گفت که بچه را می‌خواهد و اصلاً این حرف‌ها چیست که من می‌زنم. اما حالا می‌فهمم که بچه برای او ابزاری بود برای محدود کردن

من. همچنان که حالا ابزاری شده برای آزار من. مدام برای ادامه تحصیل من بهانه می‌تراشید. می‌گفت بچه کوچک است و مراقبت می‌خواهد و بنشین او را بزرگ کن اما وقتی دید من خیلی جدی‌ام و برگه‌های پذیرش دانشگاهم رسید به هم ریخت و من را به بهانه‌های واهی کتک زد.»

او بعد از اعمال خشونت از سوی همسرش تصمیم به جدایی گرفت: «آخرین بار کتک سختی خوردم و تصمیم گرفتم خانهم را جدا کنم و مطابق قوانین کشور محل اقامت هم حضانت کودک را گرفتم و مشغول ادامه تحصیل و زندگی شدم اما همیشه از سوی او تهدید می‌شدم که بالاخره بچه را از من می‌گیرد چون از نظر او من در قالب مادر خوب و



تعریف شده‌ای که باور داشت جا نمی‌گرفتم. از نظر او مادر خوب بودن با انصراف از تحصیل و وقف کردن خودم برای بچه تعریف می‌شد.»

نواقص بی‌شمار در قوانین خانواده در ایران وجود دارد که هر کدام می‌تواند به ابزاری برای تحت فشار گذاشتن زنان به هنگام بروز مسائل خانوادگی بدل شود. در این میان حضانت یکی از رنج‌آورترین‌هاست. مطابق قانون ایران حتی اگر پدر، فرزندی که حضانتش با مادر است را برباید به هیچ وجه به دزدی و آدم

حضانت فرزند باید تا خارج شدن کودک از سن حضانت و یا تا احراز رشد با مادر باشد. در مقابل برخی هم معتقدند این مقررہ عادلانه است زیرا پس از هفت سالگی نیز دادگاه بر اساس مصلحت طفل تصمیم گیری می‌کند و ممکن است حضانت را به مادر واگذار کند. مساله دوم این است که اگر زن ازدواج کند حق حضانت او ساقط می‌شود. در این مورد نیز برخی حقوقدانان اعتراضاتی دارند و سلب حق حضانت در صورت ازدواج زن را تعارض با حقوق اولیه انسانها می‌دانند.

این موضوع اما در عمل به سادگی رخ نمی‌دهد. مریم علی‌رغم دریافت حکم حضانت در کشور مورد اقامت خود از کلیه حقوق خود محروم شده است: «دادگاه در ایران به هیچ وجه مدارک و احکام صادر شده در اروپا را معتبر نمی‌داند. من در طول دو سال گذشته از شنیدن صدای فرزندم و از دیدن تصاویرش محروم بوده‌ام. علی‌رغم گرفتن وکیل نه تنها همسرم انعطافی در این زمینه نشان نداده بلکه به وضوح همراهی قضات را هم با خود دارد و آنها یک صدا می‌گویند اگر مادر صالحی بودی در این مدت به ایران بازگشته بودی.»

قانون در این باره چه می‌گوید؟ موسی برزین خلیفه لو در پاسخ به این پرسش تأیید می‌کند که مدارک صادر شده از سوی دادگاه‌های کشورهای دیگر در ایران چندان جدی گرفته نشده و بدان‌ها استناد نمی‌شود: «حکم دادگاه هر کشوری فقط در همان کشور اعتبار دارد مگر اینکه بر طبق قوانین ایران در دادگاه ایران تنفیذ شود. یعنی لازم است حکم صادر شده از سوی دادگاه کشور محل اقامت به ایران ارسال شده و تقاضای تنفیذ حکم خارجی را بدهد که این حکم نیز ممکن است پذیرفته نشود. یعنی اگر حکم صادره با مقررات حقوقی ایران تطابق داشته باشد تنفیذ می‌شود اما عموماً در مورد احکام صادره در کشورهای اروپایی و سکولار چنین نیست.»

مریم معترف است بخش زیادی از مشکلاتی که متحمل شده ناشی از عدم آگاهی است: «من هیچ اطلاعی از قوانین نداشتم. نه قوانین کشور خودم نه قوانین کشور محل اقامتم. زمانی که می‌خواستم ازدواج کنم شنیده بودم شرایط ضمن عقد وجود دارد و می‌شود حقوقی مثل طلاق را به آن اضافه کرد اما اصلاً برایم جدی نبود. فکرش را نمی‌کردم برای طلاق گرفتن بعد باید اینهمه هزینه زمانی و روحی بپردازم. اگر حق طلاق داشتم وکیلیم در ایران به راحتی می‌توانست پروسه جدایی را طی کند و من هم با توان بیشتری می‌توانستم برای مسئله حضانت فرزندم تصمیم گیری کنم. از طرفی در اینجا هم ضعف آگاهی از قوانین من را متضرر کرد. هیچکدام از وکلایی که با

آنها مشورت کردم درک صحیحی از قوانین ایران نداشتند. من بارها به سفارت ایران رفتم و مدارکم را ارائه دادم و آنها هم قول دادند برای خروج فرزند من از کشور پاسپورت صادر نخواهند کرد اما هیچکس به من نگفت اگر همسرم از راه زمینی یا دریایی به کشور دیگری برود می‌تواند از سفارت ایران در آن کشور برای پسرم پاسپورت بگیرد و او را با خودش ببرد.»

کسی به طور دقیق نمی‌تواند بگوید پروسه طلاق در ایران چقدر به طول می‌انجامد. مریم یقین دارد که از سوی همسرش ممنوع الخروج شده. بارها خواسته بازگردد اما ترس از اینکه هم آنچه را اینجا به دست آورده از دست بدهد و هم نتواند

فرزندش را پس بگیرد او را مردد کرده است. موسی برزین خلیفه لو با تأیید این مطلب در این مورد و موارد مشابه تأکید می‌کند: «در این موارد اولین اقدام ممنوع الخروج کردن طرف مقابل در دعواست. افرادی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند برای اقدام به طلاق حتماً باید وکیل بگیرند. خانم‌ها می‌توانند مهریه را به اجرا بگذارند تا از این روش مرد را به طلاق توافقی ترغیب کنند اما وضعیت حضانت همچنان پابرجاست. در عمل دادگاه‌های ایران حضانت فرزند را به فردی که در خارج اقامت دارد نمی‌دهند و ارجحیت با والدی است که در ایران زندگی می‌کند.»

وقت حرف زدن از فرزندش صدایش می‌لرزد: «الان دو سال است نه صدایش را شنیده‌ام نه تصویرش را دیده‌ام. وکیلیم به من گفته خانواده همسرم به او گفته‌اند مادرت در حال درس خواندن است و تو را فرستاده پیش ما که راحت‌تر درس بخواند. هر وقت به این فکر می‌کنم که ممکن است در مورد من چه قضاوتی کند دلم به درد می‌آید. دوست ندارم در نگاه او خودخواه به نظر بیایم و تنها امیدم این است که بعد از انجام پروسه جدایی حق مکالمه و دیدار او بصورت آنلاین را دریافت کنم گرچه چندان آمیدی ندارم...»

حق «حضانت» یا نگهداری از فرزند یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مادران ایرانی است؛ مادرانی که به هر دلیل در زندگی مشترک به بن‌بست رسیده و قادر به ادامه زندگی با همسر خود نیستند. از سوی دیگر، وجود بچه و حق نگهداری از آن به عاملی برای سهم‌خواهی و باج‌گیری پدرانی تبدیل شده که تعهد و مسوولیت همسری و پدری خود را زیر پا می‌گذارند.



## تعهدات دولت‌ها در خصوص حق والدین بر حضانت



### دنا دادبه

و قوانین داخلی خود را متناسب با آن تنظیم کرده‌اند. تا کنون ۳۸ کنوانسیون در لاهه به تصویب رسیده است که حدود ۱۲ تا از آن‌ها به قدری مورد پذیرش کشورهای عضو قرار گرفته‌اند که شکل قانون به خود گرفته‌اند. متأسفانه کشور ایران هنوز به این کنوانسیون پیوسته است.

### شرایط اجرای کنوانسیون

ماده سوم کنوانسیون لاهه در موضوع کودک‌ربایی عنوان می‌کند: «این کنوانسیون در صورتی قابل اجراست که ربودن کودک و انتقال او به کشور دیگر غیرقانونی باشد. برای این که موضوع ربودن کودک غیرقانونی تلقی شود، دو شرط لازم است:

الف: انتقال کودک به طور صریح نقض دستور دادگاه در خصوص حق حضانت کودک باشد.  
ب: حق حضانت، قبل از انتقال کودک، از سوی صاحب حق به اجرا در آمده باشد.»

### سن کودک

ماده چهارم کنوانسیون، سن اجرای این کنوانسیون را در فقط در مورد کودکان زیر ۱۶ سال اعلام می‌کند.

### تعهدات دولت‌ها

تعهدات دولت‌های عضو کنوانسیون در خصوص حق والد دارای حضانت برای کودکان ربوده شده توسط والد دیگر از قرار زیر است که دولت‌ها باید:

- محل نگهداری کودک را که به طور غیرقانونی ربوده شده، کشف کنند.
- برای جلوگیری از آسیب بیشتر به کودک خصوصاً اگر علاقه خاصی به والد از دست داده داشته باشد، اقدامات موقت قانونی انجام دهند.
- از بازگشت داوطلبانه کودک اطمینان حاصل کنند و یا به حل و فصل مسالمت آمیز موضوع اقدام کنند.
- اطلاعات مربوط به شرایط اجتماعی کودک را در جایی که لازم است با کشور طرف دعوا و والد متقاضی کودک ت رد و بدل کنند.

- یک طرح کلی از نحوه به اجرا گذاشتن کنوانسیون در قوانین داخلی خود به کشور مقابل طرف دعوا ارائه دهند.  
- ابتکار عمل قضایی داشته باشند. بدین معنی که در جهت تسریع و تسهیل پروسه قضایی و اداری پرونده از هیچ اقدامی

آیا از همسر خود جدا شده‌اید و می‌خواهید فرزند خود را با خود به کشور دیگری منتقل کنید؟ آیا پدر یا مادری تنها هستید که فرزند شما به خارج از کشور محل سکونتتان توسط همسرتان بدون اجازه شما منقل شده است؟ آیا همسر شما در کشور دیگری سکونت دارد و شما از اینکه فرزندتان را بدون رضایت شما به کشور دیگری منتقل کند، نگران هستید؟ واقعیت این است که برای بسیاری از مردم، زندگی محدود به مرزهای کشور محل سکونتشان نیست. مردم در سراسر جهان برای کار یا دلایل دیگر مهاجرت می‌کنند. همین موضوع می‌تواند منجر به موضوعات مهمی در حیطه حقوق خصوصی افراد خصوصاً موضوع حضانت و نگهداری از کودک آن‌ها شود. خبر خوب این که در همه مواردی که در بالا برشمردیم، شما می‌توانید برای بازگرداندن کودک خود اقدام کنید. اما فراموش نکنید، به یک شرط مهم نیاز دارید و آن این است که کشوری که محل سکونت شماست باید عضو یکی از کنوانسیون‌های لاهه و یا لوکزامبورگ باشد.

### کنوانسیون لاهه چیست؟

کنوانسیون لاهه مجموعه‌ای از معاهدات مربوط به مسائل حقوقی بین‌المللی است. این کنوانسیون در پرونده‌های حضانت کودکان نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند.

در این کنوانسیون همه چیز بر پایه منفعت کودک است. با توجه به عناصر سازنده منفعت و مصلحت کودک باید به این نکته نیز توجه داشت که بر اساس پیشنهاد شماره ۸۷۴ اجلاس پارلمانی شورای اروپا، اولین اصل کلی که به لحاظ منفعت کودک از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است، این است که «کودکان دیگر نباید به منزله اموال والدین خود تلقی شوند بلکه باید مانند انسان‌هایی با حقوق و نیازهای خودشان در نظر گرفته شوند. بنابراین می‌توان مدعی شد که فرض اصلی این است که اولین قربانی کودک‌ربایی، خود کودک است. با این وجود از آن جایی که یکی از مظاهر مصلحت کودک ارتباط او با والدی است که حضانت و سرپرستی او را به عهده دارد و کودک به او خو کرده است، موضوع حق والد دارای حضانت بر بازگرداندن کودک پیش می‌آید.

البته نباید فراموش کرد که کنوانسیون لاهه در [موضوع کودک‌ربایی](#) و انتقال کودک به کشور دیگر فقط در صورتی قابل اجراست که هر دو کشور درگیر دعوی کودک‌ربایی، عضو کنوانسیون باشند. تا به امروز ۹۳ کشور به کنوانسیون پیوسته

کوتاهی نکنند.

- در مواردی که شرایط ایجاب کند، به والدین مشاوره قانونی لازم ارائه دهند.
- تدابیر لازم اداری را برای تأمین امنیت و بازگشت کودک انجام دهند.
- در راه اجرای این کنوانسیون، در جهت از بین بردن موانع بازگشت کودک نهایت تلاش خود را انجام دهند.
- ماده ۱۳ کنوانسیون به شرایطی اشاره می‌کند که دولت، موظف به بازگرداندن کودک نیست. این دو موقعیت از قرار زیر است:



- در صورتی که شخص، مؤسسه یا فرد دیگری که حضانت فرزند به عهده او بوده است، قبل از انتقال کودک به کشور دیگر، نسبت به سلب حق حضانت خود موافقت کرده باشد.
- در صورتی که بازگشت کودک به کشور محل سکونت قبلی خود، باعث آسیب جدی جسمی و روحی او شود.

#### اتحادیه اروپا و کنوانسیون لوکزامبورگ

واقعیت این است که هر یک از اعضای اتحادیه اروپا درباره طلاق، نگهداری از همسر و فرزندان، حضانت و سرپرستی، و سایر مسائل خانوادگی دارای آئین نامه‌های منحصر به فردی هستند. نقش اتحادیه اروپا در حقیقت مرتبط به حصول اطمینان نسبت به این موضوع است که آیا تصمیمات اتخاذ شده در یک کشور را می‌توان در کشور دیگری اجرا کرد یا نه. اتحادیه اروپا در واقع، آئین نامه‌ای جهت صدور حکم قضایی ندارد که مثلاً چه فردی صلاحیت حضانت یا حق دسترسی را دارد. بلکه آئین نامه‌هایی تنظیم کرده که اطمینان می‌دهند احکام صادر از یک کشور اروپایی در ارتباط با حضانت و حق دسترسی در کشور دیگر بتواند اعمال شود. کنوانسیون اروپایی لوکزامبورگ مصوب سال ۲۰۰۵ نیز مانند

کنوانسیون لاهه هدف مشابهی دارد؛ این کنوانسیون نیز با هدف جلوگیری از ربودن کودکان و تضمین بازگشت آن‌ها به والدی که حضانت کودک را به عهده دارد، تنظیم شده است. نکته مهم اما اینجاست که اگر چه هر دو کنوانسیون بر پایه اصول مشابهی در زمینه مراقبت و رفاه کودکان هستند ولی تفاوت آن‌ها در این است که کنوانسیون اروپایی لوکزامبورگ فقط در صورتی دولت را مسئول می‌داند که والد معترض، حکم حضانت صادره از دادگاه در درست داشته باشد. این در حالی است که کنوانسیون لاهه موارد بیشتری را در بر

می‌گیرد. مثلاً در صورتی که پدر و مادر به موجب توافقنامه کتبی میان خود، قرار گذاشته باشند تا حضانت و سرپرستی کودک به عهده یکی از آن‌ها باشد یا موردی که پدر و مادر بدون موافقت‌نامه کتبی به صورت عرفی و شفاهی این وظیفه را میان خود تقسیم کرده باشند.

یکی دیگر از مشابهات این دو کنوانسیون سن در نظر گرفته شده برای کودک است. این کنوانسیون نیز مانند کنوانسیون لاهه، سن ۱۶ سال را برای اجرای کنوانسیون در نظر گرفته است.

ماده پنجم این کنوانسیون تعهد دولت‌ها را چنین برشمرده است:

دولت‌ها باید محل نگهداری کودک را کشف کنند.

به سرعت با انجام اقدامات پیشگیرانه، رفاه و منفعت کودک را تضمین کنند.

تصمیم قضایی دادگاه کشور مبدا را در مورد حضانت به رسمیت بشناسند.

اطمینان حاصل کنند که کودک به فرد صاحب حضانت بازگردانده شود.

## کودکان بدسرپرست، گمشده در قوانین ایران



معین خزائی

بنیان خانواده و مسائل مربوط به آن در نظام حقوقی ایران از نقش ویژه‌ای برخوردار بوده و قانونگذار در قوانین متفاوتی تاکید خود بر حفظ این بنیان اجتماعی را نشان داده است. این تاکید در موارد بسیاری به حدی است که عملاً امکان حمایت از فرد را در این بنیان جمعی از بین برده و هدف در آن صرفاً حفظ خانواده به معنی سنتی آن است. در این میان حقوق کودکان نیز به دلیل آنچه که حق ولایت قهری والدین در نظام خانوادگی خوانده می‌شود قابل استیناف نبوده و به دلیل تلاش برای حفظ خانواده و وجود خلاء های قانونی بسیار در عمل پایمال می‌شود. وضعیت کودکان بدسرپرست در قوانین موضوعه ایران یکی از این خلاءهاست که تا به امروز قانونگذار موفق به پر کردن آن نشده است.

#### کودک بدسرپرست در قوانین ایران

در قوانین موضوعه ایران هیچ تعریف روشنی از کودک بدسرپرست ارائه نشده و این اصطلاح به جز در قانون «حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست» اساساً در جای دیگری به کار برده نشده است. این قانون نیز بدون ارائه هرگونه تعریفی از مفهوم مدنظر قانونگذار از کودک بدسرپرست در این قانون تنها در ماده ۳۷ خود مسئولیت «پذیرش، نگهداری و مراقبت، حضانت و سرپرستی» این کودکان نیز «اختیار واگذاری سرپرستی آنان به خانواده‌های واجد شرایط» را بر عهده سازمان بهزیستی کشور گذارده است.

این خلاء قانونی در عمل موجب شده است که اساساً نتوان از این قانون برای حمایت از کودکان بدسرپرست استفاده کرد چرا که با توجه به نبود تعریف دقیقی از این کودکان، دایره شمول این قانون بسیار محدود است و تنها کودکان بی سرپرست را که قانونگذار اقدام به شناسایی روشن و رسمی آنها کرده در بر می‌گیرد.

از لحاظ عرفی اما کودک بدسرپرست به کودکی اطلاق می‌شود که والدین او، پدر یا مادر یا هر دو و یاجد پدری، زنده و در دسترس باشند اما از نظر قانونی صلاحیت و شایستگی سرپرستی و حضانت او را ندارند. در حقیقت قانونگذار در ایران به جای تعریف کودک بدسرپرست، به صورت جزئی و محدود اقدام به تعریف مواردی کرده که در اثر آنها صلاحیت والدین یا جد پدری یا سرپرست قانونی کودک برای حضانت از او از بین می‌رود. در همین زمینه، قانون مدنی در ماده ۱۱۷۳ «عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادر» و نیز «در معرض خطر قرار گرفتن صحت جسمانی با تربیت اخلاقی کودک» را موجب عدم صلاحیت والدین دانسته و به دادگاه اختیار داده که بنا بر صلاحدید خود تصمیم را در مورد حضانت کودک اتخاذ کند.

در این ماده «اعتیاد زیان آور به الکل، مواد مخدر و قمار، اشتها به فساد اخلاق و فحشا، ابتلا به بیماری‌های روانی با تشخیص پزشکی قانونی، سوء استفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد، فحشا، تکدی‌گری و قاچاق و نیز تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف» از مصادیق عدم مواظبت و انحطاط اخلاقی مسبب عدم صلاحیت

در حضانت معرفی شده است.

این در حالی است که قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۸۱ هر نوع آزار و اذیت کودکان اعم از جسمانی، اخلاقی و روانی را ممنوع کرده و برای مرتکبین آن مجازات تعیین کرده است. با این وجود روشن نیست که آیا به عنوان مثال آزار و اذیت روانی کودک که بر اساس این قانون جرم شناخته شده است، مشمول ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی می‌شود و مرتکب آزار و اذیت با استناد به آن صلاحیت خود را در سرپرستی کودک از دست می‌دهد یا نه.

این عدم وضوح شمول قانون در عمل سبب شده است بسیاری از والدین و سرپرستان قانونی کودکانی که به درستی از کودک خود نگهداری نکرده یا او را موجب آزار و اذیت و یا بهره‌کشی اقتصادی قرار میدهند تنها با استناد به قانون حمایت از کودکان و نوجوانان جریمه و یا زندانی شده و عملاً امکان گرفتن حضانت کودک از آنان به صورت قانونی فراهم نباشد.

### کودک بدسرپرست و رویه عملی دادگاه های ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۹ خود وظیفه ارائه خدمات اجتماعی از جمله موارد مربوط به بی سرپرستی را بر عهده دولت گذاشته است. قوانین موضوعه نیز از جمله قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست، سازمان بهزیستی را متولی این امر دانسته و بر اساس این قانون تمامی امور مربوط به کودکان بی سرپرست و یا بدسرپرست از جمله سرپرستی آنان و یا اختیار سپردن سرپرستی آنان به غیر باید زیر نظر این سازمان انجام شود.

این قانون اما همانطور که پیش‌تر گفته شد در خصوص کودکان بدسرپرست مسکوت است و تنها در یک ماده (ماده ۳۷) صلاحیت آن را بر عهده سازمان بهزیستی گذاشته است. این قانون همچنین در بند چهارم ماده هشت خود، بدون اشاره مستقیم به اصطلاح کودک بدسرپرست، اجازه واگذاری سرپرستی کودکانی که بنا بر نظر دادگاه والدین و یا جد پدری آنها صلاحیت نگهداری از کودک را ندارند به غیر را تنها در صورتی به سازمان بهزیستی داده است که «به تشخیص دادگاه صالح این امر حتی با ضم امین یا ناظر نیز حاصل نشود».

در حقیقت به موجب این قانون کودکان بدسرپرست تنها در صورتی می‌توانند از مواهب یک خانواده مطلوب خواهان آنها بهره‌مند شوند که دادگاه به تشخیص خود و نه به تشخیص کارشناسان سازمان بهزیستی عدم صلاحیت والدین کودک را در آینده تشخیص دهد. این مساله در عمل اما موجب خواهد شد که کودک گرفتار چرخه ای معیوب شده و عملاً در صورت فاقد صلاحیت شناخته شدن والدینش در خانه‌های مخصوص اقامت کودکان بی سرپرست و یا بدسرپرست بهزیستی سپری کند.

از سوی دیگر با توجه به نص صریح ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، دادگاه تنها در موارد مندرج در این قانون اجازه سلب حضانت کودکی را که والدینش در قید حیات هستند، داراست و جز در موارد تصریح شده اختیاری در این زمینه ندارد، هرچند والدین کودک حتی بر اساس قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در بدرفتاری با کودک مجرم شناخته شده باشند. از طرفی رویه عملی دادگاه‌ها در ایران نشان می‌دهد که به دلیل تمرکز قوانین موضوعه در ایران بر حفظ خانواده و نیز مفهوم ولایت قهری والدین بر فرزندان که

نگهداری از آنها را حق و وظیفه والدین دانسته است، دادگاه‌ها جز در موارد شاذ و معلوم مانند شکنجه شدن کودک از سوی والدین اجازه واگذاری کودک دارای پدر و مادر را به غیر نمی‌دهد.

مشکل دیگر این قانون در پیش روی کودکان بدسرپرست این است که بر اساس تبصره دوم ماده هشت آن در صورت درخواست یکی از اقارب کودک در به سرپرستی گرفتن آن، دادگاه سرپرستی کودک را به او واگذار خواهد کرد. این قانون در عمل موجب شده است که بسیاری از کودکانی که سرپرستی آنها به دلیل عدم صلاحیت والدینشان به بهزیستی واگذار شده توسط بستگان خود تحویل گرفته شده و مجدداً در اختیار والدین بی صلاحیت خود گذارده شود. چرا که این قانون در موارد وجود اقارب خواهان به سرپرستی گرفته کودک، دادگاه را موظف به دادن سرپرستی او به آن فرد کند.

### وضعیت کودکان بدسرپرست در لایحه جدید حمایت از کودکان و نوجوانان

خلاءهای فراوان قوانین موضوعه ایران در حمایت از کودکان و نیز فعالیت‌های فعالان حقوق کودک سبب شد که در سال ۸۸ قوه قضاییه طرحی را با نام قانون حمایت از کودکان و نوجوانان جهت فرستادن به مجلس شورای اسلامی به دولت ارائه کند. اگرچه این قانون هنوز پس از گذشت هشت سال به تصویب نرسیده اما با توجه به متن آن و موارد مورد اشاره در آن به نظر می‌رسد که تحولی در زمینه حقوق کودک در ایران خواهد بود. در همین زمینه محمد کاظمی نماینده مجلس شهریور ماه امسال با اشاره به حمایت‌های این لایحه از کودکان بدسرپرست گفته بود: «در این لایحه پیش‌بینی‌هایی درباره کودکان بدسرپرست شده است، به این صورت که این کودکان با نظر مقام قضایی از پدر و مادر جدا و به مراکز حمایتی چون بهزیستی سپرده خواهند شد و این سازمان نیز تا بهبودی کامل والدین اجازه واگذاری کودکان به آنها را ندارد.»

این در حالی است که به گفته این نماینده مجلس سازمان بهزیستی نیز به دلیل مشکلات فراوانی که در تامین بودجه برای نگهداری از این کودکان دارد عملاً امکان فراهم آوردن محیط مناسب برای اقامت این کودکان را نداشته و آنها در موارد بسیاری به دلیل عدم احساس آرامش در خانه‌های مخصوص نگهداری از آنها فرار کرده و متواری می‌شوند.

از سوی دیگر به دلیل اقدام قانونگذار در هرچه سخت‌تر کردن امکان واگذاری سرپرستی این کودکان به خانواده‌ای که مطلوب است، این کودکان مجبور خواهند بود تا زمان رسیدن به سن قانونی زیر نظر سازمان بهزیستی باقی مانده و فرصت بهره‌مندی از یک خانواده سالم را از دست بدهند.

در عمل نیز پژوهش‌ها نشان می‌دهند کودکانی که در مراکز نگهداری شبانه روزی مخصوص رشد می‌کنند ۴۰ درصد بیشتر از کودکان عادی دچار افسردگی و بیماری‌های مرتبط با آن خواهند شد. همچنین میزان ناامیدی در پسران نوجوانی که در این مراکز ساکن هستند از دیگر پسران نوجوان بیشتر است. این کودکان همچنین به دلیل آنکه نه در محیط خانواده و نه در محیط مراکز نگهداری بهره‌ای از روابط صمیمی بین فرزند و سرپرست نبرده‌اند، بیشتر دچار اختلالات رفتاری و نافرمانی‌های اجتماعی خواهند شد. از این رو به نظر می‌رسد لایحه جدید نیز نخواهد توانست معضل کودکان بدسرپرست در نظام حقوقی ایران را برطرف و مشکلاتی را که این کودکان با آن روبه‌رو هستند، برطرف کند.



# حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
 صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر  
 ایران / محمود امیری مقدم  
 سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار  
 تماس با مجله: mail@iranhr.net

